

رهبری و مدیریت پیامبر اسلام (ص) در شرایط بحران «جنگ خندق و مدیریت دفاعی پیامبر اکرم (ص)»

علی محمد ولوی
عضو هیئت علمی دانشکده الهیات،
دانشگاه الزهرا

خلاصه

زندگی رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) سرشار از نکاتی است که اگر با نگاهی نو به آن نکات توجه شود، بسیاری از خط مشی‌ها و سیاستهای اصولی در حوزه‌های مختلف علمی معرفتی، اجتماعی، سیاسی، دفاعی و... شناسائی خواهد شد. بنابراین بررسی دقیق و همه جانبه ابعاد مختلف زندگی این بزرگان مخصوصاً با شیوه‌های جدید و بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی از ضرورت‌های جوامع اسلامی است.

یکی از حساسترین و سرنوشت سازترین حوادث صدر اسلام، غزوه احزاب (خندق) و مدیریت پیامبر اکرم (ص) در شرائط بسیار حساس و بحرانی این غزوه است. مورخان، این غزوه را بیشتر از آن جهت با اهمیت می‌دانند که آخرین صحنه تهاجم دشمن به نیروهای اسلام و نقطه اوج اقدامات دفاعی مسلمین می‌باشد. اما آنچه که کمتر در منابع تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد مدیریت این حادثه سرنوشت ساز و مهم است.

مدیریت پیامبر اکرم (ص) در جریان این غزوه ابعاد مختلفی دارد. در مقاله حاضر کوشش شده است که در حد امکان یکی از اقدامات مدیریتی پیامبر اکرم (ص) در جریان یکی از تدابیر آن حضرت یعنی "حفر خندق" مورد بحث و بررسی قرار گیرد. البته مقاله حاضر محدود به مدیریتی که رسول الله (ص) در جریان حفر خندق اعمال فرمودند نمی‌شود بلکه موضوع اداره و بهره‌گیری کامل از این اقدام دفاعی هم مورد بحث قرار

می‌گیرد.

تصویر اجمالی حادثه :

غزوه احزاب بنا بر قول مشهور در شوال سال پنجم هجری^(۱) و در ناحیه شمال و غرب مدینه النبی (ص) واقع شد. قرآن مجید در چهار سوره و در قریب ۲۲ آیه به مسائل مختلف این جنگ اشاره کرده است.^(۲) سپاه مشرکین از ۳ لشکر به ترتیب زیر تشکیل شده بود :

۱ - لشکر قریش و هم‌پیمانانش به رهبری ابوسفیان بن حرب، که فرماندهانی چون خالد بن ولید، عکرمه بن ابوجهل، عمرو عاص، صفوان بن امیه و عمرو بن عبدود در آن شرکت داشتند. مجموعه نیروهای تحت فرماندهی ابوسفیان - با احتساب بنی سلیم - چهار هزار و هفتصد نفر بودند که بیش از ۳۰۰ اسب و ۱۵۰۰ اشتر به همراه داشت^(۳) این نیروها پس از نزدیک شدن به مدینه در محلی موسوم به "رومه" مستقر شدند.

۲ - لشکر غطفان و هم‌پیمانان آنها از قبایل نجد، به فرماندهی "عین بن حصن فزاری" و مسعود بن رخیله و حارث بن عوف جمعاً به استعداد ۱۸۰۰ نفر که در نزدیکی "احد" اردو زدند ۳۰۰ اسب به همراه داشت^(۴)

۳ - بنی اسد به فرماندهی طلحه بن خویلد اسدی، همچنین یهودیان بنی نضیر که قریش را همراهی می‌کردند و نقش آنها بیشتر تقویت فکری و روحی این حرکت نظامی بود. ضمن اینکه یهودیان بنی قریظه هم با شکستن پیمان، متحد احزاب محسوب می‌شدند. اکثر مورخین تعداد نفرات احزاب را مجموعاً ده هزار نفر گفته‌اند.^(۵)

امتیاز عمده سپاه احزاب که تا آن زمان در منطقه حجاز کم نظیر بود برخوردار از سواره نظامی با حداقل ۶۰۰ اسب بود که برتری کامل آنان بر نیروهای اسلام را تضمین می‌کرد. به احتمال قریب به یقین نگرانی عمده مسلمین، از همین بخش سپاه احزاب بوده است.

۱. ابن هشام، سیره النبویه، جزء ۳، مصر، ۱۳۵۵ ه. ق.، ص ۲۲۴. همچنین محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل الملوک، ج ۳، ص ۱۰۶۷. محمد بن عمر واقدی و ابن سعد، شروع این غزوه را در ذی‌قلعه سال پنجم دانسته‌اند.
 ۲. قرآن مجید - سوره‌های بقره (آیه ۲۱۴)، آل عمران (آیات ۲۷-۲۶)، نور (آیات ۶۴-۶۲)، احزاب (آیات ۲۵-۹).
 ۳. محمد بن عمر واقدی، مغازی، ج ۲، ص ۳۳۱. ۴. همان - ص ۳۳۲.
 ۵. واقدی، ج ۲، ص ۳۳۵، ابن هشام، ج ۳، ص ۲۳۰ طبری، ج ۳، ص ۱۰۷۳.

موقعیت مسلمانان:

بنا به روایت ابن اسحاق، تعداد نفرات سپاه اسلام در جریان غزوه خندق ۳۰۰۰ نفر بوده است^(۱) به نظر می‌رسد که این قول اندکی خوش‌بینانه و همراه با اغراق باشد. احتمالاً این رقم با احتساب نوجوانان و جوانان و همچنین همراهی کراهت آمیز برخی از منافقین است. لازم بذکر است که تعداد اسبهای مسلمین در غزوه خندق سی و چند اسب بوده است.^(۲)

بنا به گفته واقدی چهار روز پس از حرکت قریش از مکه، سواران خزاعه خبر حرکت احزاب را به پیامبر اکرم (ص) رساندند.^(۳) فاصله میان مکه و مدینه برای سپاهی که با ساز و برگ جنگی حرکت می‌کرد، ده تا دوازده روز راه بوده است. بنابراین پیامبر اکرم (ص) و مسلمین تنها شش تا هشت روز برای اتخاذ هرگونه تدبیر و تصمیمی فرصت داشته‌اند.

وضعیت عمومی مدینه و روحیه مسلمین

در هر اقدام اجتماعی، سیاسی و نظامی، علاوه بر رهبری، بایستی به دو رکن دیگر توجه کرد:

۱- وضعیت و شرایط. ۲- رهروان: یعنی کسانی که در مدیریت نیروی انسانی رکن اصلی را تشکیل می‌دهند. لازم است با نگاهی به وضعیت مجموعه نیروهایی که پیامبر (ص) با آنها سر و کار داشتند، مشکلات آن حضرت از این جنبه بررسی شود.

پس از انتشار خبر حرکت احزاب در مدینه، جو عمومی شهر دستخوش تلاطم گردید. بهترین تصویر از شرایط عمومی مدینه، و دسته‌بندی گروه‌های حاضر در شهر را قرآن مجید طی ۱۷ آیه در سوره احزاب ارائه کرده است. در این آیات با دقت شگفت‌انگیز و روانکاوانه‌ای قرآن از روحیات گروه‌های مختلف در جریان غزوه احزاب پرده برداشته است. بطور کلی این گروه‌ها به ۳ دسته تقسیم می‌شوند:

الف: مؤمنین (مطابق آیات قرآن، تعداد کسانی که در این گروه می‌توان جای داد زیاد نبوده است. اینان یاران خالص و فداکار پیامبر اکرم (ص) بوده‌اند که در هر شرایطی هیچگونه تردیدی در اعتمادشان نسبت به خدا و رسول ایجاد نمی‌شد. این آیه از سوره

۲. مغازی، ج ۱، ص ۳۴۳.

۱. السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۳۱.

۳. مغازی، ج ۲، ص ۳۳۳.

احزاب در حق این گروه نازل شده است:

” وَ لَمَّارَةٌ الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا اِبْتِنَاءً وَ تَسْلِيمًا“
(سوره احزاب، آیه ۲۲).

ب: منافقین (کسانیکه با اجبار و اکراه اسلام را پذیرفته بودند و در دل کینه رسول خدا (ص) را می پروراندند. در موقعیتهای مناسب از ضربه زدن به اسلام و خدمت به دشمنان اسلام دریغ نمی کردند. قرآن مجید این گروه را معرفی و باطن آنان را آشکار کرده است. ج: معوقین و مرددین (اینان مسلمانانی بودند که به خاطر ضعف شخصیت یا ضعف ایمان، معمولاً در شرایط حساس و در جریان حوادث، گرفتار تردید و ترس می شدند و علاوه بر آن، این روحیه را به دیگران هم منتقل می کردند.

قرآن کریم در مواضع مختلف ضمن بررسی نهضت انبیاء به این گروه اجتماعی اشاره کرده است و حتی گاهی در کنار منافقین و تحت عنوان ” فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ “ از آنها یاد کرده است. در سوره احزاب هم خداوند ویژگیهای روانی و شخصیتی این گروه را آشکار کرده است.

” قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَ الْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَ لَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا“
(سوره احزاب، آیه ۱۸)

معمولاً این گروه در سختی و شرایط بحرانی با منافقین احساس همراهی و همگامی بیشتر می کنند. گاهی با عذر و بهانه های به ظاهر موجه، موضع مأموریت و مسئولیت خود را ترک کرده و چون باطناً منافق نیستند، یا به جهت آینده نگری و توجیه خود و دیگران سعی می کنند خودشان را با رهبری هماهنگ نشان دهند. قرآن مجید این حالات و روحیات را افشاء می فرماید.

” ... وَ يَسْتَلْتِدُنَّ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فُرَاةًا“
(سوره احزاب، آیه ۱۳)

این گروه همواره در معرض بازگشت به کفر قرار دارند. زیرا قدرت برای آنان اصالت دارد. به همین دلیل این گروه اجتماعی بسیار غیر قابل اعتمادند.

” وَ لَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَاتَوْهَا وَ مَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا بَسِيرًا.

(سوره احزاب، آیه ۱۴)

در عین حال این گروه اجتماعی هر چند گروهی پر مدعا، متوقع و طلبکارند. به تعبیر قرآن، چشمانشان از ترس، حالت چشمان مشرف به مرگ را دارد، اما وقتی شرایط عادی می شود زبان دراز، گستاخ، مدعی و طلبکار می شوند.

” أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ جِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ....

(سوره احزاب، آیه ۱۹).

در مجموع می توان گفت که با توجه به شرایطی که اشاره شد و نیز وضعیت کمی و کیفی نیروهای اسلام، رهبری پیامبر اکرم (ص) در جنگ احزاب یکی از دشوارترین مدیریتها در شرایط نامناسب بوده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جهت دستیابی به این هدف، ضروری است ابعاد برنامه ریزی و تعیین استراتژی، سازماندهی، مدیریت نیروی انسانی، کسب اطلاع و خبر رسانی و نظارت و کنترل، اعمال مدیریت و رهبری رسول خدا (ص) مورد دقت و بررسی قرار گیرد:

۱- برنامه ریزی و تعیین استراتژی :

با بررسی جزئیات غزوه خندق به راحتی می توان به این واقعیت رسید که پس از وصول خبر حرکت احزاب، پیامبر اکرم (ص) سیاستی دفاعی را اتخاذ کردند. جهت تحقق این هدف، بهترین تدبیر ماندن در شهر و بهره برداری از کلیه امکانات و تواناییهای درون شهری بود. ماندن در شهر می توانست سپاه اسلام را به لحاظ پشتیبانی و تدارکات در یک جنگ دفاعی طولانی یاری دهد. با توجه به برتری کمی سپاه دشمن برخوردار از بیش از

۶۰۰ اسب که به آنها تحرک فوق العاده‌ای می‌بخشید، مهمترین اقدام جلوگیری از تهاجم اولیه دشمن و بی‌اثر کردن نقش سواره نظام دشمن بود. موفقیت سپاهی مانند سپاه احزاب، به تهاجم اولیه بستگی داشت. بنابراین جلوگیری از کسب موفقیت در تهاجم اولیه سپاه مشرکین می‌توانست یکی از اهداف اولیه پیامبر اکرم (ص) باشد.

پیامبر اکرم (ص) ضمن اتخاذ سیاست تدافعی، فرمان به حفر خندق دادند که می‌توانست هدف فوق‌الذکر را تأمین کند. از آنجا که همه تصمیمات را در نهایت پیامبر اکرم (ص) می‌گرفتند سرعت عمل پیامبر اکرم در پذیرش و پیاده کردن این پیشنهاد قابل توجه است.

اهمیت و عظمت این تصمیم

از مجموع اطلاعاتی که مورخین به دست می‌دهند، چنین بر می‌آید که خندق دارای ابعاد زیر بوده است:

طول آن حداقل پنج و حداکثر شش کیلومتر بوده است. خندق در شمال شرق مدینه از ناحیه برجهای شیخان شروع شده و تا غرب مدینه یعنی تا کوه بنی عبید کشیده شده، و از آنجا به طرف جنوب تا محلی که اکنون مسجد فتح قرار دارد کشیده می‌شده است.^(۱) از این نقطه هم تا مصلی امتداد داشته است.

هر چند مسیر دقیق خندق مشخص نیست و احتمال اینکه در مسیر، وجود موانع طبیعی و مصنوعی می‌توانست مسلمین را از حفر خندق بی‌نیاز کند، اما در مجموع با توجه به فاصله مناطق فوق‌الذکر و همچنین تقسیم کاری که پیامبر اکرم (ص) انجام دادند مسلماً طول خندق از پنج کیلومتر کمتر نبوده است.

اگر قول مشهور مورخین را که می‌گویند تعداد حفر کنندگان خندق ۳۰۰۰ نفر بوده است بپذیریم، چون هر ۱۰ نفر مأمور حفر ۴۰ ذراع (۲۰ متر) از خندق بوده‌اند بنابراین طول خندق باید در حدود ۶ کیلومتر برآورد شود.

مورخین مسیر خندق را چنین تشریح کرده‌اند که مبدأ آن راتج و قلعه شیخان بود. و از آنجا تا تپه ذباب در شمال مدینه کشیده شده و سپس به طرف غرب تا کوه بنی عبید و تا

۱. مغازی ج ۲، ص ۳۳۸. طبری ج ۳، ص ۱۰۶۹ و تاریخ پیامبر اسلام، دکتر آیتی، ص ۳۸۱.

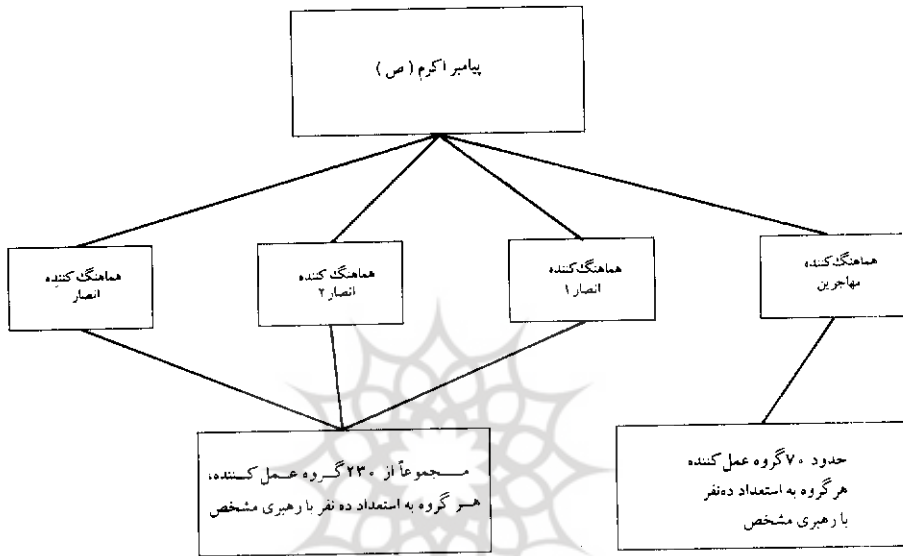
محللی که هم اکنون مسجد فتح قرار دارد کشیده می شده است. در مغرب هم جهت احتیاط، علی رغم وجود موانع طبیعی چون نخلستانها و حرارت خندق تا مصلی امتداد پیدا کرده است. در مورد عرض و عمق خندق هم اگر نظر بلعمی را بپذیریم، عرض و عمق خندق باید ۱۰ متر باشد. چراکه به هر حال باید طوری خندق طراحی می شد که یک چابک سوار با اسب بتواند از آن عبور کند. اما در مورد عمق خندق، همین قدر که پیاده دشمن نتواند از یک طرف وارد، و از طرف دیگر خندق خارج شود می توانسته پاسخگوی هدف پیامبر اکرم (ص) باشد. بنابراین احتمالاً عمق خندق در حدود سه یا چهار متر بوده است. مرحوم دکتر آیتی در کتاب تاریخ پیامبر اسلام که طول خندق ۵/۵ کیلومتر و عرض آن ۱۰ متر و عمق آن ۵ متر بوده است.^(۱)

با توجه به فاصله میان مکه و مدینه (۱۰ تا ۱۲ روز راه) و تصریح مورخین به اینکه سواران خزاعه پس از حرکت قریش به سرعت و ظرف مدت چهار روز خود را به پیامبر اکرم (ص) رسانیده و موضوع را اطلاع داده اند. مسلماً مدت حفر خندق از ۱۰ روز کمتر بوده است.

۲ - سازماندهی :

پس از تعیین مسیر خندق که توسط شخص پیامبر (ص)، به همراه گروهی از مشاوران ایشان، افرادی چون سلمان فارسی، سعد معاذ، سعد بن عباد، انجام شد، نخستین اقدام رسول خدا (ص) ایجاد سازمان لازم برای نیل به هدف نزدیک یعنی حفر خندق بود. این کار به سرعت اما با دقت و ظرافت تمام انجام گرفت. کل نیروهای موجود، مجموعاً نزدیک به سیصد گروه عمل کننده تحت مدیریت یکی از بزرگان اصحاب (مهاجر و انصار) هماهنگ شدند. و ارتباط پیامبر اکرم (ص) با همه مسلمین از طریق سرپرستان انجام می شد. هر چند ارتباط پیامبر اکرم با همه مسلمین ارتباطی صمیمی و مستقیم بود اما در امور محوله، فقط سرپرستان با پیامبر اکرم ارتباط و تماس داشته اند. این نکته تلویحاً از اشارات منابع تاریخی بر می آید. چنانکه در ماجرای مواجه شدن گروه سلمان فارسی با سنگ سختی، افراد گروه از

سلمان می‌خواهند موضوع را به اطلاع پیامبر اکرم (ص) برسانند.^(۱) شاید بتوان نمودار سازماندهی نیروها جهت حفر خندق را به ترتیب زیر ترسیم کرد:

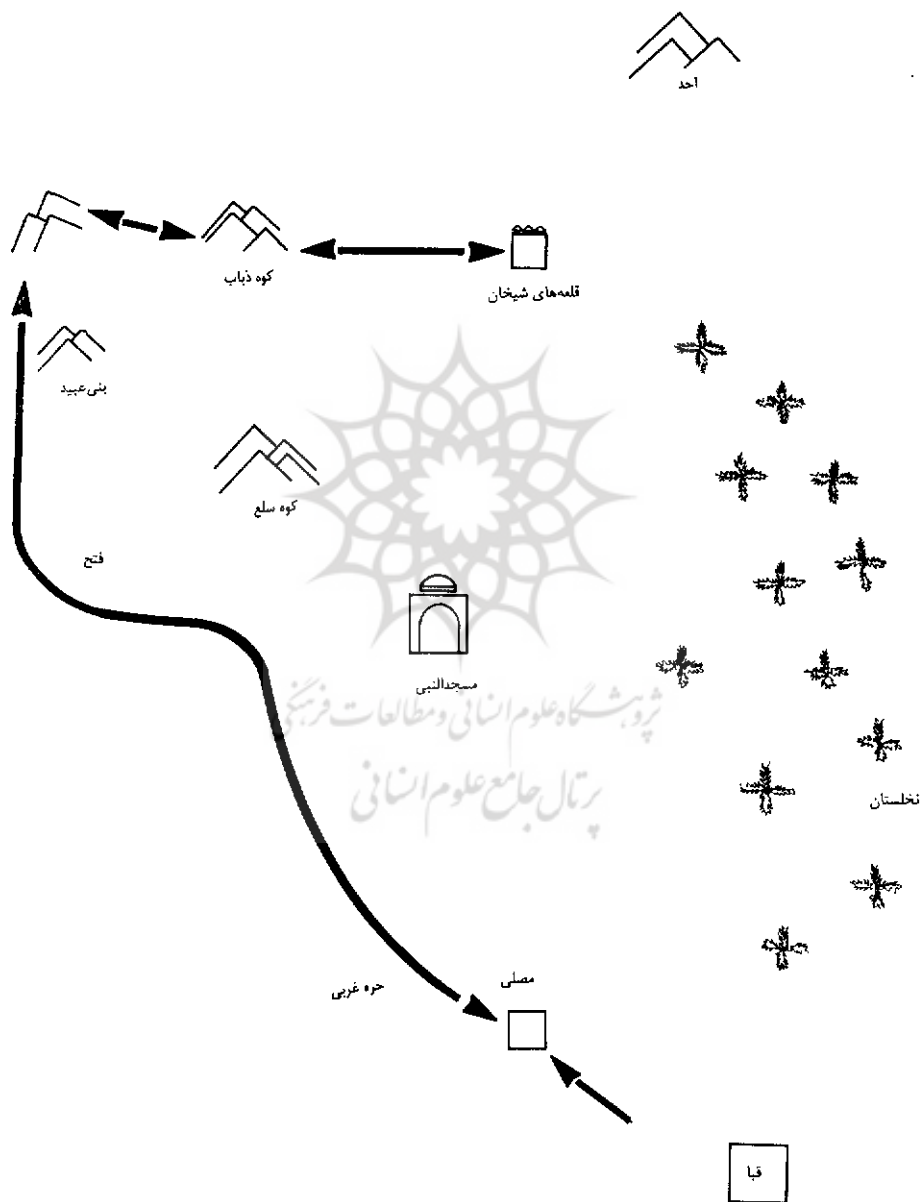


۳- مدیریت نیروی انسانی:

چنانچه از نقشه برمی‌آید پیامبر اکرم (ص) جهت ایجاد انگیزه و تشدید فعالیت مسلمین بطور کلی قسمتی از مأموریت حفر خندق را به مهاجرین و بخش بزرگتری از آن به انصار سپردند. و برای آنکه میان انصار هم نوعی رقابت بوجود آید آنان را به ۳ گروه تقسیم کردند که این تقسیم بندی بر مبنای نزدیکی قومی و قبیله‌ای انجام شده‌است. زیرا هر تقسیم بندی دیگری ممکن بود با توجه به اختلافات فکری، فرهنگی و قومی مسلمین که بسیاری از آنها تازه به اسلام گرویده بودند سر منشاء بروز مشکلات و مسائلی باشد. بروز اختلاف بر سر سلمان که نه از انصار بود و نه وابسته به مهاجرین، نمونه خوبی برای اثبات این مدعا می‌باشد.^(۲)

۱. طبری، ج ۲، ص ۱۰۷۰.

۲. در جریان حفر خندق هر یک از مهاجر و انصار سعی می‌کردند سلمان را که برای اولین بار در اقدامات جمعی مسلمین شرکت می‌کرد به خود نسبت دهند.



نقشه احتمالی خندق

در واقع پیامبر اکرم (ص) بطور آگاهانه از رقابت میان قبایل، جهت تسریع کار استفاده کردند. این تدبیر تا حد گروه‌های عمل کننده هم ادامه یافت. رسول... (ص) با اعمال تقسیم کاری حساب شده میان افراد، هر ۴۰ ذراع از مسیر خط کشی شده را به ۱۰ نفر محوّل کردند. بدین ترتیب نه فقط قبایل و طوایف با هم رقابت می‌کردند، بلکه در درون هر گروه میان افراد آن گروه هم رقابت ایجاد می‌شد. ضمن اینکه حوزه کار هر گروه کاملاً مشخص بود و تداخلی در مسئولیتها هم پیش نمی‌آمد.

یکی از تدابیر پیامبر اکرم جهت پیشبرد هر چه سریعتر کار حفر خندق توجه دادن مسلمین به اصول اعتقادی و مخصوصاً آخرت بود. با تعلیم این اصل سازنده که زندگی حقیقی حیات اخروی است و زندگی دنیوی گذرا و بی اعتبار است، شور و نشاط کار در مسلمین زیادتر می‌شد. نکته درخور توجه اینکه به خاطر محدودیت زمانی و ضرورت تأثیر فوری سخن، رسول خدا (ص) از زبان شعر که مؤثرترین زبان آن روز بود، استفاده می‌فرمودند.

به عنوان نمونه ابن سعد در "طبقات" می‌گوید پیامبر اکرم (ص) در جریان حفر خندق این بیت را تکرار می‌کردند:

اللهم ان الخیر الاخره
و یا به قولی:

لا عیش الا عیش الاخره
فاغفر للانصار و المهاجره

و یا:

اللهم لولا انت ما هتدینا
و لا تصدقنا و لاصلینا^(۲)

کاملاً آشکار است که برای آنکه مسلمین هدف اصلی را گم نکنند و بدانند که زحماتشان در چه جهت و برای چیست، با این روش بر اصول اولیه و عالیه اسلام تأکید می‌فرمودند. شاید از همین نکته بتوان به این نتیجه رسید که در هر اقدام مدیریتی لازم است که مدیر دائماً رهروان خود را نسبت به هدف یا اهداف آشنا و آنان را توجیه نماید. پیامبر اکرم از بهترین روش ممکن جهت انجام این مهم استفاده کرده‌اند. از روش تعلیم و

۱. طبقات، ج ۲، ص ۵۱

۲. مغازی، ج ۲، ص ۲۳۶. همچنین طبقات، ج ۲، ص ۵۱

آموزش غیرمستقیم و یا بهره گیری از زبان شعر که تأثیری فوری و ماندگار داشت. جهت تقویت روحیه مسلمین و فعالتر کردن آنان، موارد زیر از شیوه مدیریت پیامبر (ص) قابل استنباط است:

الف: مشارکت مستقیم و جدی و همه جانبه شخص رسول... (ص) در کار حفر خندق، بطوریکه به گفته بسیاری از مورخان، نیروهای عادی مجاز بودند شبها محل کار خودشان را ترک کنند اما پیامبر اکرم (ص) به اتفاق گروهی از اصحاب مؤمن و مخلص در کنار خندق می ماندند^(۱) نکته قابل توجه اینکه این مشارکت محدود به رهبری و هدایت مسلمین نبود بلکه آن حضرت خود خاک حمل می کرد و هر جا مسلمین در حفر خندق گرفتار مشکل می شدند از آن جناب استمداد می کردند.

ب: حضور شاد و با نشاط پیامبر اکرم (ص)، این روحیه را به نیروها هم منتقل می کرد. روحیه با نشاط پیامبر چنان بر اصحاب تأثیر گذاشته بود که آنان حتی بیش از مواقع عادی با یکدیگر شوخی و مزاح می کردند. پیامبر اکرم (ص) هم تا آنجا که این شوخیها برخوردی با ارزشهای الهی و اسلامی و شخصیت افراد و اداره امور نداشت آن را منع نمی کردند.^(۲)

ج: خواندن سرودهای دسته جمعی یکی دیگر از اقداماتی بود که ضمن جلوگیری از پرداختن مسلمین به بحثهای تضعیف کننده روحیات و ایجاد کننده اضطراب عمومی، موجب شادی و نشاط و تقویت روحیه مسلمانان می شد. تمامی این سرودها دارای بار ارزشی و تأثیرات تربیتی بسیار خوبی بود^(۳)

یکی از سرودهایی که مسلمین می خواندند، مربوط به مرد نیکوکاری می شد به نام جعیل که به گفته واقدی، زشت روی و مبتلا به بیماری پوستی بود اما در جریان حفر خندق همکاری می کرد. پیامبر اکرم (ص) نام او را از جعیل به عمر و تغییر دادند و به همین مناسبت مسلمین این بیت را سروده و دسته جمعی تکرار می کردند:

وكان للباس يومًا ظهرا

سماه من بعد جعیل عمرا

۱. مغازی، ج ۲، ص ۳۲۶، و سایر منابع.
 ۲. ر. ک مغازی، همچنین طبقات ابن سعد.
 ۳. ر. ک مغازی، ج ۲، ص ۳۳۴، و طبقات، ج ۱، ص ۵۲.

گفته‌اند پیامبر اکرم (ص) هم با تکرار آخرین کلمات هر مصرع با آنان همراهی می‌کرد. (۱)

د: یکی دیگر از تدابیر پیامبر اکرم (ص) در مدیریت نیروی انسانی استفاده مؤثر از همه نیروهای درگیر در حفر خندق بود. بطوریکه از سست ایمانان و حتی منافقین هم در حد مطلوب بهره‌برداری و استفاده می‌شد. بر خلاف روشهای تنبیه و انضباطی موجود در جوامع مختلف مخصوصاً در شرایط جنگی، در جریان غزوه احزاب، توییح و تنبیه مستقیم افراد خاطی و قاصر در انجام وظیفه توسط پیامبر دیده نشده‌است. پیامبر اکرم (ص) نظامی را طراحی کرده بودند که در آن نظام فرد خاطی خودبخود سرشکسته و شرمسار می‌شد. به نقل واقدی در جریان حفر خندق اگر از کسی سستی می‌دیدند بر او می‌خندیدند. (۲)

چنین بود که افراد سست ایمان و منافق هم از ترس ریشخند دیگران، ناگزیر از کارکردن بودند. البته چنانکه قرآن هم به صراحت فرموده‌است، این گروه‌ها به بهانه‌های مختلف از زیر کار شانه خالی می‌کردند. اما این شیوه عمل پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان باعث شده بود که آنان گستاخ نشوند، ضمناً برای آنان حقی در همراهی با مؤمنان ایجاد نمی‌شد و در حد امکان از تواناییهای هم بهره‌برداری می‌گردید.

۴- ارتباطات

ارتباط پیامبر اکرم (ص) در جریان غزوه خندق با نیروهای اسلام، مستقیم و بی واسطه بود. کسانیکه مسئولیت خبر رسانی و ابلاغ فرامین رسول خدا (ص) را به واحدهای مختلف و گزارش مسائل و مشکلات واحدها را، به آن حضرت عهده‌دار بودند، بطور مستقیم با آن حضرت دیدار می‌کردند. مسلمین قریب به ۳۵ اسب در اختیار داشتند که در جریان حفر خندق و نیز پس از آن در جریان محافظت از خندق جهت هماهنگی و ایجاد ارتباط و خبر رسانی سریع، استفاده می‌شد. پس از حفر خندق مسلمین برای خندق درهائی قرار دادند (احتمالاً هشت در)، هر یک از این درها نگهبانانی داشته‌است که زبیرین عوام به عنوان

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۲۷، همچنین مغازی، ج ۲، ص ۳۳۵.

۲. مغازی، ج ۲، ص ۳۳۲.

فرمانده کل، بر آنان نظارت می‌کرده است.^(۱) ارتباط میان این دروازه‌ها که در نقاط حساس و استراتژیک خندق تعبیه شده بود با عبادین بشر سرپرست نگهبانان چادر فرماندهی که پیامبر اکرم (ص) در آن مستقر بودند با سرعت تمام و با استفاده از اسب انجام می‌شد. همچنین پس از اتمام کار حفر خندق و استقرار نیروها در دو طرف خندق پیامبر اکرم (ص) شعارهای خاصی را جهت برقراری ارتباط مسلمین با یکدیگر و با چادر فرماندهی که در دامنه کوه سلع مستقر بود، تعیین فرموده بودند. به مجرد برخورد با موقعیت ویژه، افرادی که مستقیماً با آن موقعیت روبروی می‌شدند، موظف بودند شعار خاصی - مثلاً الله اکبر - را تکرار و دیگر نیروها را از موقعیت خود آگاه سازند، از طریق همین شبکه ارتباطی سریع پیامبر اکرم (ص) چند بار از رخنه و نفوذ نیروهای دشمن آگاه شده، به موقع آن را دفع کردند.^(۲)

۵ - نظارت و کنترل :

چنانکه قبلاً هم اشاره شد نظارت پیامبر اکرم (ص) بر عملکرد افراد در جریان حفر خندق نظارتی غیر مستقیم بود. طراحی نظام تقسیم کار دقیق و رقابت ایجاد شده میان گروه‌های عمل‌کننده، موجب ایجاد سیستم نظارت و کنترل همگانی و عمومی شده بود. بطوریکه می‌توان گفت همه افراد خندق بر کار یکدیگر نظارت و کنترل همگانی و عمومی داشتند. در عین حال نوعی حضور و غیاب غیر مستقیم هم نسبت به شاعلین در حفر خندق اعمال می‌شد. بدین ترتیب که هر کس ناگزیر از ترک موضع مأموریت بود از شخص رسول اکرم (ص) اجازه می‌گرفت و این به عنوان یک روحیه عمومی که جنبه ارزشی هم داشت، درآمده بود چنانکه قرآن مجید هم در سوره احزاب اشاره فرموده است، یکی از ملاکها و مشخصه‌های تعیین اعتقاد و ایمان افراد اجازه گرفتن از پیامبر اکرم (ص) جهت غیبت موقت بود.

بنابراین وجه بارز نظام نظارتی پیامبر اکرم (ص) طراحی سیستمی بود که براساس آن نوعی نظارت همگانی و خودجوش در میان نیروهای اسلام ایجاد شده بود. این نظام نظارتی که بر مبنای اعتماد کامل میان رهبر و رهروان طراحی شده است می‌تواند موجب تقویت

اعتماد به نفس و باروری شخصیت افراد شود. با توجه به مجموعه عوامل فوق بود که پیامبر اکرم (ص) موفق شدند کار عظیم و شگفت‌انگیز حفر خندق را در مدت کوتاه (کمتر از ۱۰ روز) به انجام برسانند. سرانجام، در این غزوه قدرت رهبری و مدیریت رسول‌الله (ص) توانست احزاب را شکست دهد و آخرین مهاجم سپاه متحد شرک و کفر را ناکام نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی